

چالش‌های فضای مجازی، آمارهای اعلامی از سوی دولت در این زمینه، افزایش پهنای باند و ارداتی، حل معضلات فضای مجازی، محوریت بازی کلش آف کلنز در دولت و منافع پشت پرده این بازی موضوعات مهمی است که در گفت‌وگوی «جوان» با ابودر منتظر القائم مطرح شده است که در ادامه می‌خوانید.

■ ■ ■

مهم‌ترین چالش امروز در فضای مجازی را در چه چیزی می‌دانید و آمارهای ارائه شده در این حوزه تا چه میزان صحیح است؟

امروز در حوزه فضای مجازی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشور ما، چالش‌های آماری است. حقیقت این است که آمار، مبنای برنامه‌ریزی و مدیریت است و شکل و جهت نمودارهای آماری، گاه می‌توانند منجر به تغییر سیاست‌ها و اولویت‌ها شوند. بدون شک، آمار، یکی از مهم‌ترین اجزای برنامه‌ریزی و مدیریت است و نقشی اساسی در آن بازی می‌کند.

متأسفانه آنچنان که به نظر می‌رسد، آمارهای ارائه شده از سوی مسئولان دولتی، از عقیه کارشناسی چندانی برخوردار نیست. برخی از آمارهایی که توسط مسئولان دولتی در حوزه فضای مجازی منتشر می‌شود، اصولاً آمارهایی هستند که به لحاظ علمی تولید آنها غیرممکن است. برای نمونه، مسئولان بارها از عضویت عددی از «انسان‌ها» و افراد در فلان شبکه موسوم به اجتماعی سخن می‌گویند، در حالی که به لحاظ علمی و با یک نگاه طبیعی و کارشناسانه، حتی مدیر -Admin- این شبکه‌ها هم گزارشی جز در مورد میزان کاربران -User-بهره‌بردار این شبکه در اختیار نخواهد داشت، وای به حال افرادی که کوچک‌ترین دسترسی به مدیریت شبکه مذکور ندارند و معمولاً به اتکای خروجی‌های رسانه‌ای منتشره چنین اظهاراتی را طرح می‌کنند. بر این اساس، آنچه ایشان به عنوان آمار ارائه کرده‌اند، کلاً فاقد فرمول و منطق محاسباتی است و امکان طرح چنین آماری برای هیچکس وجود ندارد.در برخی موارد، مفهوم آمار و تخمین، در گزاره‌های اعلامی از سوی مسئولان خط می‌گردد. همچنین، تحلیل غلط بر اساس تخمین نیز از دیگر مشکلات است. گاهی برخی مسئولان از غلبه میزان ارتباطات شخصی بر سایر کاربردهای عمومی از برخی شبکه‌های ارتباطی، به عنوان عامل نگرانی‌زدایی سخن می‌گویند حال آنکه استفاده عمومی و گسترده میان جامعه از این ابزارها برای ارتباطات واقعی، خطر بسیار بزرگ جمع‌آوری اطلاعات مهندسی اجتماعی و همچنین قرار گرفتن مردم در معرض سیکل بازشگشت این جمع‌آوری، یعنی اعمال مهندسی اجتماعی را به دنبال دارد که با درک مسئولان از یک آمار مشخص که در کی خوشبینانه و ناشی از نگاه عوامانه و غیر کارشناسی است، تفاوت ماهوی دارد. در کنار وجود این ایرادات اساسی در حوزه آمار و اطلاعات اعلامی از سوی دولت در حوزه فضای مجازی، باید نگاهی به رفتار نامحرم‌پنداری حداکثری مخاطبین داخلی در مقابل محرم‌پنداری حداکثری بیگانگان داخلی، دولت بسیاری از اخبار و آمارهای واقعی و کلیدی در حوزه فضای مجازی را به بهانه امنیتی بودن مخفی نگه داشته و در اختیار کارشناسان و عموم مردم قرار نمی‌دهد، حال آنکه از گرفتن پیمانکار و مشاور خارجی برای اجرای حساس‌ترین پروژه‌های زیرساختی فضای مجازی کشور مانند شبکه ملی اطلاعات ابایی نداشته و آن را تحت عنوان استفاده از تجربیات دیگران مجاز می‌داند! برای نمونه، دولت در مورد تولید هر گونه تسلط بر پهنای باند رمز از سوی خود سکوت کرده و پیرامون آن به بهانه عدم افشای مسائل امنیتی موضع‌گیری نمی‌کند، اما دشمن از این نقطه ضعف موجود به خوبی سود می‌برد. همچنین دولت اطلاعات واقعی در مورد درصدهای مخابراتی رمز موجود روی پهنای باند اینترنتی بین‌الملل نسبت به محتوای غیر رمز که هر روز نسبت به گذشته در حال افزایش بوده و ترکیب و غلظت آن نیز هرروز تغییر کرده و تشدید می‌شود، را مخفی می‌کند، چون در صورت انتشار این آمارها، ناکارآمدی پروژه‌های از بن نامفهوم و غلطی مانند فیلترینگ هوشمند- که البته هنوز هیچ مسئولی در دولت از جمله خود وزیر ارتباطات یا وزیر اطلاعات یا ارشاد زحمت ارائه یک توضیح رسمی و قانونی و قابل ارزیابی از آن را بر خود هموار نکرده‌اند-! برای همه مشخص خواهد شد.

بارها دولت از مقاومت خود در مقابل فشارها برای محدودسازی ابزارهای ارتباطی خارجی سخن گفته است و خود را قربانی فشارها برای حفظ آزادی‌ها و حقوق مردم معرفی کرده است. اما آیا واقعاً دولت حاضر به چنین فداکاری‌ای است که در موضوعی که هیچ منفعتی برای او نداشته باشد، چنین خود را در مقابل فشارهایی که صرفاً با هدف آزار از حقوق مردم و محدود و محروم‌سازی آنان از حقوق شرعی و قانونی‌شان شکل گرفته، مقاومت کند؟

مشخص است که تنها تأمین‌کننده پهنای باند خارجی در ایران، شرکت ارتباطات زیر ساخت است که قرار بود از طرف دولت و حاکمیت، مسئول اعمال سیاست‌های ملی و توسعه ظرفیت‌های زیرساختی باشد، اما امروز و برخلاف سیاست‌های مصوب اصل ۴۴ قانون اساسی، اختیارات و امکانات این شرکت در خدمت کسب در آمد دولت از این محل یعنی واردات پهنای باند از خارج و فروش آن به عمده‌فروشان داخلی تبدیل شده و به نوعی می‌توان گفت این شرکت را از یک مرکز حاکمیتی سیاستگذاری به یک واحد تجاری کلان دولتی تبدیل نموده است. دولت، در افزایش مصرف و نیاز به پهنای باند وارداتی، دارای منفعت مستقیم و انحصاری شده است، یعنی اولاً سود افزایش مصرف پهنای باند خارجی به شکل مستقیم به حساب دولت واریز می‌گردد و این سود در این سطح، منحصرآ در جیب دولت واریز می‌گردد. البته این به معنای هم‌سفره و شریک شدن شرکت‌های پایین دستی یعنی عمده‌فروشان و خرده‌فروشان بخش خصوصی یا برخی خصولتی‌ها با دولت بر سر این سفره نیست و آنها نیز بالاخره از توزیع هر چه بیشتر این کالای

آشفته بازار فضای مجازی



آشفته بازار فضای مجازی

در گفت‌وگوی «جوان» با ابودر منتظر القائم پژوهشگر و مدرس جنگ نرم:

حفظ امتیازات انحصاری دولت مانع اجرای شبکه ملی اطلاعات است

وارداتی در داخل کشور سود خود را می‌برند، اما هیچ شرکتی در سطح واردات پهنای باند، هم‌سفره دولت نیست!

دولت، در افزایش نیاز مردم به پهنای باند خارجی دخالتی دارد و آیا دولت در دامن زدن به عطش عمومی در افزایش واردات پهنای باند خارجی و توزیع آن در کشور، دخیل است؟

در جواب به این سؤال باید گفت معماری امروزی شبکه اینترنتی کشور به شکلی است که گسترش آن در نقاط جدید، منجر به افت کیفیت خدمت در سایر نقاط می‌گردد، علت نیز آن است که این شبکه همچون ساختار یک ستاره و شعاع آن در کشور گسترش می‌یابد و مانند لوله‌های متصل به یک منبع آب، هرچه‌قدر تعداد لوله‌های متصل به این منبع و طول آنها افزایش یابد، به طور کاملاً منطقی فشار آب در تمامی لوله‌ها افت خواهد کرد. پس توسعه این شبکه مویرگی در سراسر کشور، مساوی با افت خدمات و افزایش احساس نیاز برای پهنای باند وسیع‌تر است و این شکل از توسعه شبکه که امروز توسط دولت دنبال می‌شود، مساوی با دامن زدن به نیاز عمومی برای افزایش پهنای باند و نتیجه آن اینترنت فروشی هرچی بیشتر دولت خواهد بود، امری که زیر ظاهر بسیار موجه رفع مشکلات مردم به شکل روزمره اتفاق می‌افتد!

آیا راه دیگری هم وجود دارد؟

در جواب طرح این نکته ضرورت دارد که نه تنها راه دیگر وجود دارد، بلکه الف: راهکاری کاملاً منطقی و ساده و ب: رایج در اکثر نقاط دنیا و ج: پذیرفته شده به عنوان یک تکنیک رایج فنی و علمی جهان و د: قرار گرفته در قوانین و سیاست‌های حاکمیتی داخلی است؛ و آن، چیزی نیست جز شکل دهی به شبکه ملی اطلاعات که به لحاظ چار چوب نظری و عملی دارای نمونه‌های اجرا شده کاملاً رایج و پرطرفدار در میان دولت‌ها در جهان است و باید گفت ۱۵ کشور برتر در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات (منهای رژیم اشغالگر قدس، امریکا و انگلیس) همگی این راهکار را اجرا نموده‌اند. حل معضلات فضای مجازی، امروزه در گرو شکل‌گیری شبکه ملی اطلاعات است. موضوعی که از ابتدای برنامه پنجم توسعه کشور، در ماده ۱۴۶ قانون نهفته بود و تا امروز که از مهلت اجرای آن بسیار گذشته‌ایم، از اجرای آن خبری نیست. موضوعی که به عنوان دستور کار شورای تازه تأسیس عالی فضای مجازی کشور قرار گرفت، اما وقتی در سال ۱۳۹۶ به کارنامه این شورا و دولت در این زمینه نگاه می‌کنیم، علتش چیست، آیا دولت دوست ندارد

تا خدمات را بهتر، ارزان‌تر و سریع‌تر و سالم‌تر در اختیار مردم بگذارد تا کارنامه‌ای موفق‌تر از خود ارائه دهد و مورد اقبال عمومی‌بتری قرار بگیرد؟

پاسخ به این سؤال چندان پیچیده نیست. دولت در این مسئله بین یک دوراهی قرار دارد. صرفنظر کردن از مجموعه‌ای از امتیازات انحصاری که حفظ روش غلط قدیمی برای وی ایجاد می‌نمود، در مقابل ارائه خدمات بهتر به مردم در روش جدید که به طور کلی به نفع مردم و جامعه و کشور است، اما این امتیازات و امکانات الزاماً دیگر در دست دولت نخواهد بود که از جمله آن‌ها کاهش نیاز مردم به واردات پهنای باند از خارج و سودی است که دولت از محل اینترنت‌فروشی نصب خود و محدود شرکت‌های بزرگ خصوصی و نیمه‌خصوصی گردن کلفت می‌نمود، راهکار دولت برای این مسئله، بسیار سطح پایین و صرفاً مکتبی به رفتارهای تبلیغاتی و عوامانه است. دولت از یکسو خود حامی افزایش کیفیت خدمات و آزادی‌های مردم و جا خواهد زد و از سوی دیگر با دامن زدن به عطش مردم و واردات روزافزون پهنای باند و فروش آن به مردم، در آمد هنگفت غیرقابل تصویری را برای خود فراهم می‌کند. وقتی می‌توان با این روش، بدون انجام اقدامات اصلاحی اساسی که می‌تواند درآمد مستقیم دولت از جیب مردم را کاهش دهد، هم‌وجه و ظاهر را حفظ کرد و هم جیب را پر از پول مردم کرد، ادامه

این روش، چراکه نه؟!در این روش، دولت منتقدان اقدامات غیرعلمی و عوام‌فریبانه خود را مخالفان آزادی‌ها و حقوق مردم جا زده و ضمن پر کردن جیب خود، از محل این تجارت غیرقانونی و ناجوانمردانه، به ریش منتقدان هم می‌خسند و آنها را با مردم طرف می‌کند! این روشی است که دولت تا امروز از دست زدن به آن لفظهای خودداری نکرده است! با این حساب، دولت اولاً شبکه مویرگی زیر ساخت را با پول ملت از محل درآمدهای نفتی تا روستاها توسعه می‌دهد و ثانیاً معماری آن را در قالب یک معماری وابسته به واردات حفظ می‌کند، ثالثاً دست به واردات ترافیک و پهنای باند زده و آن را در جامعه دهها برابر میزان افت کیفیت صورت گرفته توزیع کرده و به فروش می‌رساند و رابعاً خود را مدافع حقوق مردم معرفی کرده و چهره منتقدان را در فضای تریبونی و رسانه‌ای پیش چشم مردم سیاه جلوه می‌دهد. شاید الان ساده بتوان به این سؤال پاسخ داد که سود من یا آزادی مردم؟ مسئله کدام است.

دکتر صالحی امیری در جلسه‌ای که به طور مشترک با حضور وزیر ارتباطات و وزیر دادگستری با برخی فعالان فناوری اطلاعات و ارتباطات داشت، طی سخنانی که در مورد رفع مشکل بازی کلش آف



با بررسی‌ای که روی طرح تجاری بازی کلش آف کلنز ارائه شد، همچنین با اطلاعاتی که در مورد علت حمایت دولت از گسترش پهنای باند خارجی به جای پهنای باند داخلی مطرح گردید، دیگر سؤالی در این زمینه وجود ندارد. در حقیقت، دولت یک طرف‌سود در موضوع بازی کلش آف کلنز است

می‌شود. یعنی حتی در حالتی که بازیکن و کاربر هیچ خرید درون‌برنامه‌ای انجام ندهد نیز این نرم‌افزارها به پای مشتری رایگان تمام نمی‌شود! راه علنی دیگری که ایسن بازی‌ها به خلق درآمد برای شرکت ارائه‌دهنده می‌پردازد، خریدهای درون‌برنامه‌ای است. همانگونه که قبلاً نیز ذکر شد، وقتی بازیکن علاقه‌مند است تا با پرداخت رشوه در درون برنامه، به شکل علنی خود را جلو بیندازد، باید مالیاتی مشخص پول رایج را به این شرکت داده و نام کاربری خود را نیز اعلام نماید تا برابر تعرفه اعلامی شرکت، حساب وی در درون بازی، شارژ و تقویت گردد. پس مشخص شد که رواج این بازی، به هر نحو برای شرکت ارائه‌دهنده آن درآمدزا خواهد بود.

آیا با دولت ایران هم در منافع ناشی از رواج این بازی میان مردم، شریک خواهد بود یا خیر؟ به عبارت دیگر می‌خواهیم بدانیم دولت مانگران سرگرمی‌ها، آزادی‌های اجتماعی مردم ما، سرمایه و کار آفرینی تعدادی جوان است یا اینکه در پس پرده می‌توان امر دیگری را نیز یافت؟

بر خلاف آنچه وزیر ارتباطات در صفحه اینترنتی خود در رسانه خارجی نوشته است، عامل محرک برای موضع‌گیری دولت اعتراضات عمومی نبوده است زیرا این دولت نشان داده است که این امر به تنهایی نمی‌تواند موجب تحرک برای اقدام مؤثر گردد و مشکلات عمیق اقتصادی مردم ایران و مسائل اجتماعی گریبانگیر مردم تاکنون نتوانسته است موجب صداقت در اظهار نظر و اقدام متناسب با مشکل و رفع آن از سوی دولت گردد. پس باید «کلید» ماجرا را در جای دیگری جست، با بررسی‌ای که روی طرح تجاری بازی



اینترنتی کشور وجود داشته باشد؟-۶ روز به روز بر سهم مخابرات رمز از کل مخابرات کشور افزوده شده و حاکمیت حتی نتواند قالب و بافت سیستم رمز کندنه را تشخیص بدهد، وای به حال رمزگشایی و نظارت؟-۷ دولت از جایگزین مخابرات بی‌حساب و کتاب نه تنها دفاع کند بلکه آن را گسترش هم بدهد و حتی برای بستن فیلتر شکن‌ها نیز مخالفت کند!-۸ دولت در مقابل نهادهای و مسئولان کلیدی و خبرگان ملت دم از نبود جایگزین به عنوان علت عدم ممانعت از فعالیت ابزارها و شبکه‌های خارجی برزد، اما در موضع‌گیری‌های اصلی و رسانه‌ای قول داده و تأکید کند هرگز ابزارهای داخلی را جایگزین ابزارهای خارجی نخواهد کرد؟!۹- دولت، ملت را با پروژه‌های سرکاری و ناموفق و شکست خورده با بودجه‌هایی صدها میلیارد تومانی مانند فیلترینگ هوشمند به عنوان راهکار جایگزین مسدودسازی مشغول کند، اما وقتی این پروژه‌ها رسماً ناکارآمد و بی‌معنا می‌شوند هم صدایی از دیوار در نیامده و کماکان مسیر خطر را بازماند و بعداً معلوم شود مسئولان حتی به اجرای ماده

حالا مگر کلش آف کلنز چه ایرادی دارد؟

برخلاف آنچه برخی اعلام می‌دارند، مشکل این بازی وجود نمادهای شیطانی و ماسونی در آن نیست. چه این نمادهای آن مشاهده بشوند یا نشوند، این بازی ایرادات بنیادینی دارد که به این موضوعات مربوط نیست. برای مثال، کلش آف کلنز یک نرم‌افزار آموزش غارت و دزدی است و جاپات آن هم به شکل دسته‌جمعی است که اتفاقاً با برقراری گردش مالی در حاشیه آن که از راه خرید و فروش اموال جمع‌آوری شده شکل گرفته است. فساد بزرگ دیگری به نام خرید، فروش و معامله اموال مسروقه را پدید آورده است. همچنین این بازی در شکل گروهی که از آن برخوردار است، ابزار برای جمع‌آوری نرم داده در مقیاس وسیع و پردازش آن و همچنین اعمال مهندسی اجتماعی در قالب نبرد شناختی برای طرف خارجی فراهم آورده است. این گذشته از دسترسی‌های بسیار نامعقولی است که این بازی از کاربر هنگام نصب اخذ نموده و دسترسی‌های ویژه‌ای به حریم خصوصی کاربران برای شرکت ارائه‌کننده فراهم نموده است. ائتلاف وقت و برهم زدن آرامش روانی مخاطبین، در کنار اعتیادآوری شدید آن که مورد اشاره مسئولان پلیس ج.ا.ا نیز بوده است، جای طرح این پرسش را در مطرح می‌کند که با وجود مجموع مشکلاتی که این بازی برای جامعه ما ایجاد می‌کند، چگونه دولت نتوانسته است در حقیقت در منافع کوتاه برد خویش، حتی در مقابل دستورات قضایی این ایستادگی کرده و مقابل نظر اجماعی کمیته

تعیین مصادیق مجرمانه اینترنتی دادستانی کل کشور که به حکم قانون مجازات اسلامی مرجع تشخیص و تعیین مسئله می‌باشد و از اعضای رسمی دولتی و غیردولتی تشکیل شده است، ایستادگی کند؟ شاید این بار نیز نیاز نباشد تا پاسخی مجزا از سایر مسائل فضای مجازی کشور برای این مسئله نیز بیابیم. پاسخ همان است که قبلاً نیز به آن اشاره شد. دولت ضمن آنکه خود را مدافع حقوق مردم و حامی کارآفرینان جوان معرفی کرده است، منتقدان اقدامات غلط و عوام‌فریبانه خود را مخالفان آزادی‌ها و حقوق مردم جازده و ضمن پر کردن جیب خود از محل این تجارت غیرقانونی و ناجوانمردانه، به منتقدان هم پوزخند می‌زند و آنها را با مردم طرف می‌کند! این روشی است که دولت تا امروز از دست زدن به آن لفظهای خودداری نکرده است!

امروز می‌توان شبکه اینترنتی و مخابراتی ایران را در نوع خود یکی از بهترین‌ها دانست اما بهترین، برای ارتکاب جرم و جنایت و به انتخاب مجرمین، علل این انتخاب و برتری چیست؟

کجای دنیا می‌توان شبکه‌ای اینگونه یافت که در آن ۱- اکثر تجهیزات به کارگیری شده اعم از گوشی‌ها و تبلت‌ها اصولاً به‌طور قاچاق به کشور وارد شده باشد و مشخصات و مختصات آنها هیچ کجایت نشده و البته آزادانه هم خرید و فروش شوند؟ ۲- هیچ استاندارد بومی برای تجهیزات در حال عرضه و مصرف در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات تدوین نشده و اعمال نگردد و هر نوع وسیله‌ای با هر مشخصاتی مجاز به ورود و مصرف است؟ ۳- اکثریت ارتباطات داخلی اینترنتی کشور از بستر ارتباطات راه دور تأمین شود و قبل از اینکه پیمانی در ایران از مبدأ به مقصد برسد، دشمن شناخته شده این ملت از آن با خبر شود؟ ۴- برای برقراری ارتباطات مخابراتی کشور از تجهیزات ساخت و تولید شده توسط دشمن استفاده شود و هیچ مخابره تلفنی وجود نداشته باشد که توسط دشمن قابل شنود نباشد و کار به جایی برسد که رتبه اول تحت شنود بودن جهان توسط دشمن را به دست آورد و واردات زیرساخت و روستاخت از دشمن، در مرز تعطیلی باشند و حداکثر تولید ما گوشی تلفن رومیزی و نزدیک به بی‌کیفیت باشد؟ ۵- تمامی نرم‌افزارهای زیرساختی و روستاختی ما ساخت و تولید دشمن باشد و حتی به اراده دشمن امکان غیرفعال شدن کل شبکه مخابراتی و